

"جرگه ی امن منطقه" سناریوی امپریالیزم امریکا

سناریوی "جرگه ی امن منطقه" که چند ماه قبل میان بوش و مزدوران حلقه بگوشش (کرزی و مشرف) به تصویب رسید، با شرکت هفتصد تن، از دو جانب که جنایتکاران جهادی در صف اول آن نشسته بودند، به تاریخ 18 اسد 1386 در خیمه ی لویه جرگه برگزار شد.

پرویز مشرف، رهبران بنیادگرای متحده مجلس عمل و بزرگان قبیله‌ی وزیرستان درین جرگه شرکت نکرده بودند. شوکت عزیز صدراعظم پاکستان، ظهور بحران طالبی را ناشی از بی کفایتی دولت افغانستان و "جامعه جهانی" دانست و بدینگونه در آغاز کار این جرگه پاکستان را برائت داد.

این جرگه که به وسیله رادیوی بی بی سی و رادیو آزادی بازتاب گسترده ای داشت، رسانه های داخلی هم تا توانستند در وصف آن گفتند و سینه چاک کردند. ماهیت این جرگه را از روی سخنرانی های رهبران جهادی که تا دیروز غلامان حلقه به گوش آی اس آی و امروز قلاده بندان امریکا می باشند و جاسوسی چون داکتر عبدالله به عنوان معاون این جرگه به آسانی می توان محک زد.

عزیزالله واصفی، آی اس آی پاکستان را مسوول درگیری های کنونی در افغانستان و پاکستان دانست و گفت: "کسانی از پاکستان شکر گزار اند که تا دیروز نازدانه های آن کشور بودند." اشاره ی واصفی به مجددی، سیاف، ربانی، قانونی، گیلانی و... بود که با بیان این جمله، کامره مین حساس چندین ثانیه ربانی و سیاف را بر صفحه ی تلویزیون فوکس کرد.

امپریالیزم امریکا که افغانستان را به عنوان نقطه ای در استراتیژی آسیایی اش می بیند، در 11 سپتامبر با بیشتر از 30 هزار نیرو و با متحدان امپریالیستی اش افغانستان را اشغال و به مستعمره ی خود مبدل نمود. این در حالیکه پاکستان از زمان ایجادش تا امروز به عنوان چویدست امپریالیست های امریکا و انگلیس عمل کرده، یکی از کشورهای شدیداً وابسته به امریکا حساب می گردد، لذا اداهای مستقلانه این دو دولت و سناریوهای لویه جرگه بازی آنها جز خاک زدن به چشم مردم دو کشور و رقاصندن خاینان دو طرف، چیز دیگری نمی باشد.

امپریالیزم امریکا جهت حضورش در منطقه، باید تروریزم القاعده و طالب را که خود در دهه ی هشتاد میلادی در پاکستان ساخت و پرورد و در دهه ی نود به اوجش رساند و به عنوان خطر جهانی بعد از 11 سپتامبر آنرا علم کرد و با این تمسک دست به اشغال و پیاده نمودن نیرو در کشورهای بسیاری از آسیا زد، وضعیتی را به وجود آورده است که از یک طرف جاسوسان و سرسپردگان بنیادگرا و دموکرات آن این اشغال و حضور را "فرصت طلایی" تعبیر کرده و از سوی دیگر چون زالوهای کثیفی به مکیدن خون توده ها اشتغال داشته، به توجیه کشتارهای این تجاوز امپریالیستی می پردازند، ورنه دولت قلاده بند پاکستان چیزی نیست که در برابر اخطار کوچک امریکا مقاومت کند و در امور داخلی افغانستان بدون رضایت بادار مداخله نماید. این را مردم افغانستان و پاکستان در سه روز بعد از حادثه یازده سپتامبر تجربه کردند که چگونه دولت پاکستان سرزمین و امکانات مادی و معنوی اش را به پای تجاوز امریکا به افغانستان ریخت و یکجا با بادار، دست پرورده های خود را از افغانستان جاروب کرد.

این جرگه که اکثریت اعضای آن جز مشتی جاسوس، خاین و وطنفروش چیز دیگری نیست، هرگز قادر نخواهد بود تا در استراتیژی منطقوی امپریالیزم امریکا و انگلیس تغییر به وجود آورد، زیرا چنین جرگه هایی در رفع بحران بی امنیتی میان افغانستان و پاکستان زمانی به نتیجه می رسد که امریکایی ها و انگلیس ها بار و بنه شان را ازین منطقه جمع کنند و به کشورهای شان برگردند، در غیر آن جهت استقرار پایگاه های دایمی شان در افغانستان و عده ای از کشورهای آسیایی، ادامه ی چنین تشنجاتی حتمی بوده، جزئی از استراتیژی آنها در منطقه و آسیا می باشد.

این نشست برای مشتی فاسد و دزد که بصورت رسمی و غیر رسمی از پول های "هدیه شده امپریالیستی برای برگزاری جرگه" اختلاس می کنند و یا معاش های بلندتر می گیرند، ایده آل بوده و به این خاطر چپ و راست کلمه ی "ملی" را قلقه کرده، عاشقان سینه چاک برگزاری این جرگه می باشند و وظیفه ی "مقدس" خدمت به نظم نوین جهانی ایالات متحده را به پیش می برند.

توده های مردم در هر دو کشور این سناریو را به مسخره گرفته، بسیاری از افغان ها در رسانه ها، نشست ها و گشت و گذارها آنرا شگردی از سوی خاینان ملی دانسته، کوچکترین اعتنایی به برنامه های آن ندارند. زیرا مردم افغانستان می دانند، در هر نشستی که داکتر عبدالله، سیاف، قانونی،

دوستم، مجددی، گیلانی، ربانی و... بزرگ باشند، معلوم است که نتیجه ی چنین جرگه هایی چه می باشد.

کشت و کشتار، بیکاری و فقر، بی امنیتی و بی عدالتی، فساد و مواد مخدر، زمانی درین منطقه پایان می پذیرد که توده های زحمتکش افغانستان و پاکستان با رهبری و پیشاهنگی تشکلات انقلابی و ضد امپریالیستی بپاخیزند، نه تنها سلطه ی امپریالیزم که دولت های مزدور و طبقات استثمارگر شانرا در میان آتش و خون براندازند و عدل و برابری واقعی توده ای را برقرار سازند.

گروه پیشگام افغانستان

20 اسد 1386